

عنوان درس نهم : جریانهای فکری عالم اسلامی

توضیحات	روش	مکتب
<p>هر دو گروه صرفاً بر استدلال عقلی تکیه می کنند ولی اصول و مبادی عقلی آنها با هم متفاوت است.</p> <p>حکما ، حسن و قبح عقلی را درباره زندگی انسان به کار می برند .</p> <p>متکلمان ، حسن و قبح عقلی را درباره همه عالم هستی (انسان ، خدا ، جهان) به کار می برند.</p> <p>حکما ، کلام را حکمت جدلی و فلسفه را حکمت برهانی می نامند .</p>	<p>استدلال و برهان عقلی</p>	<p>مشاء</p>
	<p>استدلال و برهان عقلی</p> <p>نقل</p>	<p>کلام</p>
<p>غلبه با روش ذوق و عرفان</p> <p>هدف : کشف و درک و شناخت حقیقت</p>	<p>استدلال و برهان عقلی</p> <p>تصفیه و تهذیب نفس</p>	<p>اشراق</p>
<p>✓ عارف تنها راه وصول به حقیقت را شهود باطنی می داند و همواره عقل را تحقیر می کند و آنرا در طریق معرفت مرکبی کندرو می داند.</p> <p>پای استدلالیون چوبین بود پای چوبین سخت بی تمکین بود</p> <p>گر کسی از عقل با تمکین بدی فخر رازی رازدان دین بدی</p> <p>✓ عارف می خواهد با عشق و مجذوبیت به حقیقت هستی متصل شود .</p> <p>✓ در این سلوک روحی و معنوی خود را نیازمند برهان های عقلی نمی داند و راه عشق را هموارتر و نزدیک تر از راه عقل می شناسد.</p> <p>✓ مظهر و نماینده کامل عرفان اسلامی که عرفان را به صورت یک علم مدون درآورد و بر عرفا و فیلسوفان بعد از خود به شدت تأثیر گذاشت، محی الدین ابن عربی معروف به « شیخ اکبر » است .</p>	<p>تصفیه و تهذیب نفس</p> <p>یا</p> <p>سیر و سلوک قلبی</p>	<p>عرفان</p>
<p>✓ مؤسس آن ملاصدرا یا صدر المتالین .</p> <p>✓ جامع عقل و نقل، برهان و عرفان، استدلال و اشراق در پرتو معارف قرآن</p> <p>✓ چهار رود فوق با وجود تفاوت های زیاد، در این مکتب گرد هم آمدند زیرا همه روبسوی یک هدف یعنی معرفت به هستی و مبدا و معاد داشتند.</p>	<p>جامع و نقطه تلاقی چهار روش فکری اسلامی</p>	<p>حکمت متعالیه</p>



▪ استدلال معتزله درباره « ثواب آخرت »

« تکالیف دشوار دینی فقط و فقط برای نفع و فایده ما وضع شده است و آن نفع و فایده چیزی جز ثواب اخروی نیست؛ زیرا اولاً اگر هیچ غرضی در این تکالیف نباشد، عبث و بیهوده خواهد بود و کار عبث و بیهوده زشت و قبیح است. ثانیاً ممکن نیست که این تکالیف ما سود و فایده ای برای خداوند داشته باشد؛ زیرا خداوند از این قبیل اغراض منزّه و پاک است.

نتیجه می شود که در این تکالیف، سود و فایده ای برای انسان نهفته است اما این سود و فایده یا در دنیا نصیب مؤمن می شود یا در آخرت. مشاهده می کنیم که مؤمن در دنیا به سود و فایده ای نمی رسد و پاداش خود را نمی گیرد؛ یعنی، اگر سود تکالیف در دنیا باشد، مؤمن به آن نمی رسد و جز مشقت نصیبی ندارد اما اگر این سود در آخرت هم به مؤمن نرسد، پس این هم زشت و قبیح است.

در نتیجه، باید این سود و فایده در آخرت نصیب مؤمن شود و این البته حسن است و مطلوب

نکاتی چند:

✚ عرفا و متکلمان نیز به موازات فلاسفه در بارور کردن فرهنگ اسلامی سهمی به سزا داشته اند.

✚ از آنجا که این دو گروه با فلاسفه سرسازش نداشتند و خود را هرگز تابع آنها نمی دانستند، در برابر حکما ایستادگی می کردند و با آنان از در مخالفت درمی آمدند.

✚ عرفان و کلام علاوه بر اینکه با مخالفت های خود به فلسفه اسلامی تحرک و رونق بخشیدند، افق های تازه ای را هم پیش روی فلاسفه گشوده اند.

✚ استدلال متکلمان بیشتر بر اساس حسن و قبح عقلی است.

✚ استدلال بر اساس حسن و قبح عقلی در میان معتزله رواج زیادی داشت.

✚ اساس استدلال معتزله بر این است که خداوند کار قبیح انجام نمی دهد زیرا خداوند منزّه و پاک است.

✚ علاوه بر معتزله و اشاعره که متکلمان اهل سنت هستند، شیعیان نیز به کلام رغبت نشان دادند و متکلمان بزرگی چون شیخ مفید و سید مرتضی علم الهدی از میان شیعیان برخاستند.

✚ کلام شیعه با خواجه نصیرالدین طوسی به اوج رسید و بیشتر رنگ فلسفی به خود گرفت.

نمونه سوالات کنکور سراسری در سالهای گذشته درس نهم

۱- کدام ویژگی تفاوت اصلی فیلسوفان اشراقی را نسبت به عرفا بیان می کند؟ (خارج کشور ۹۶)

۱) **دغدغه رسیدن به نوعی درک کلی از جهان هستی** (۲) توضیح جهان هستی براساس نوعی جغرافیای عرفانی

۳) استفاده از عقل استدلالی در تدوین و توضیح مسائل وجود (۴) اعتقاد به متکثر بودن مظاهر حقیقت و راه های دستیابی به آن

۲- کدام یک جزء نظرات معتزله شمرده نمی شود؟ (سراسری ۹۵)

۱) **حسن و قبح را فقط در مورد فعل انسان می توان بکار برد** (۲) کار بیهوده زشت است و خداوند کار زشت انجام نمی دهد

۳) تکالیف دینی فقط برای فایده انسان وضع شده است (۴) فایده انجام وظایف الهی زندگی اخروی خوش است

۳- کدام عبارت بیانگر نظر خاص معتزله و اختلاف آنان، هم با اشاعره و هم با مشائیان است؟ (خارج کشور ۹۵)

۱) **خداوند کار بیهوده را به دلیل قبح آن انجام نمی دهد.**

۲) وظیفه عقل تبعیت بی چون و چرا از فرمان الهی است.

۳) هر نوع بینش یا تفکر فلسفی با روح دین ناسازگار است.

۴) عقل و وحی مکمل یکدیگرند زیرا خداوند حکیم است.

۴- اساس استدلال معتزله بر اینکه «تکالیف دینی برای ثواب وضع شده اند» کدام است؟ (سراسری ۹۴)

۱) **خداوند کار قبیح انجام نمی دهد.** (۲) هر چه که خداوند انجام می دهد، خوب است.

۳) فایده تکالیف در آخرت نصیب انسان می شود. (۴) کار خدا را نمی توان با معیار حسن و قبح سنجید.

۵- کدام مورد مبنای بیشتر استدلال های متکلمان است؟ (خارج کشور ۹۴)

۱) **متون دینی (۲) حسن و قبح (۳) اصول عقلی (۴) ثواب اخروی**

۶- کدامیک در مورد عرفا و جریان عرفانی جهان اسلام، درست نیست؟ (سراسری ۹۳)

۱) **عرفا برای رسیدن به آن چه در پی اش بودند، یعنی تصویر جامع جهان، عشق را مناسب دانستند.**

۲) محی الدین عربی را به حق، نماینده ی کامل عرفان اسلامی، در شکل علمی آن دانسته اند.

۳) تدوین عرفان به صورت یک علم مدون، جریانات فلسفی را نیز تحت تأثیر قرار داد.

۴) به نظر عرفا استفاده از براهین عقلی شرط لازم وصول به حقیقت نیست.

۷- می توان درباره ی همه متکلمان گفت: (سراسری ۹۲)

۱) **مبادی و اصولی متفاوت با فیلسوفان دارند.**

۲) کلام را حکمت جدلی می دانند نه حکمت برهانی

۳) از روشی استفاده می کنند که تفاوت عمده ای با روش فلسفی دارد.

۴) حسن و قبح را معیاری برای کارهای انسان می دانند، نه خداوند.

۸- وحدت بخش جریان اندیشه های مشائی و اشراقی و عرفان و کلام حکمت متعالیه ی بود (که) منادی گر (معرفت به

هستی و) در پر تو معارف می باشد. (سراسری ۸۴)

۱) **صدرایی - مبدا و معاد - قرآن** (۲) صدرایی - مبدا و معاد - فلسفی

۳) **سینوی - انسان و خدا - قرآن** (۴) سینوی - انسان و خدا - فلسفه

۹- تفاوت نگرش « حکم » با « متکلمین » در مسئله « حسن و قبح » کدام است؟ (سراسری ۸۱)

۱) متکلمین به وسیله آن درباره همه هستی قضاوت می کنند ولی حکما آن را مربوط به زندگی انسان می دانند.

۲) متکلمین به وسیله آن درباره همه ی هستی قضاوت می کنند ولی آن را مربوط به خداوند متعال می دانند

۳) حکما حسن و قبح را عقلی می دانند ولی متکلمین آن را شرعی می پندارند

۴) حکما حسن و قبح را شرعی می دانند ولی متکلمین آن را عقلی می پندارند

۱۰- وجه اشتراک و اختلاف « فلاسفه ی مشاء » و « متکلمان » در این است که (سراسری ۸۰)

۱) در ارتباط عقل و فطرت اختلاف دارند ولی هر دو گروه فطرت را مقدم بر عقل می دانند.

۲) در ارتباط عقل و قلب اختلاف دارند ولی هر دو گروه عقل را مقدم بر قلب می دانند

۳) هر دو گروه صرفا بر استدلال عقلی تکیه می کنند ولی مبادی عقلی آنها مختلف است.

۴) هر دو گروه مبادی و اصول عقلی مشترکی دارند اما در نوع استدلال با هم اختلاف دارند.

۱۱- کدام یک از جریان های فکری در عالم اسلام چندان عنایتی به استدلال و برهان عقلی ندارد و چه کسی از نمایندگان مهم

این نوع تفکر است؟ (سراسری ۷۷)

۱) روش اشراقی - قطب الدین شیرازی

۲) روش اشراقی - ابوسعید ابوالخیر

۳) روش عرفانی - جلال الدین دوانی

۴) روش عرفانی - صدر الدین قونوی

۱۲- حکما « حسن و قبح » را مربوط به کدام مورد می دانند و « کلام » را چه می نامند؟ (سراسری ۷۷)

۱) تمام عالم هستی - فلسفه ی برهان

۲) تمام عالم هستی - فلسفه ی جدلی

۳) زندگی انسان - حکمت جدلی

۴) زندگی انسان - حکمت برهان

۱۳- کلام شیعه به واسطه ی کدام متفکر به اوج خود رسید و بیشتر رنگ فلسفی به خود گرفت؟ (سراسری ۷۷)

۱) خواجه نصیر الدین طوسی

۲) شیخ مفید

۳) سید مرتضی علم الهدی

۴) صدر المتالهین

۱۴- تفاوت روش « اشراقی » و « عرفانی » در کدام مورد است و مظهر و نماینده ی کامل عرفان اسلامی که عرفان را به

صورت یک علم مدون در آورد چه کسی است؟ (سراسری ۷۶)

۱) اشراق عنایتی به استدلال ندارد - محی الدین عربی

۳) عرفانی عنایتی به استدلال ندارد - محی الدین عربی

۴) عرفانی عنایتی به استدلال ندارد - خواجه عبدالله انصاری

۱۵- در زمینه وجه اختلاف یا اشتراک روش « سلوک عرفانی » با روش اشراقی کدام گزینه صحیح است؟ (سراسری ۷۳)

۱) اشراقی در پی کشف حقیقت است ولی آن دیگری در پی وصول به حقیقت

۲) هدف هر دو دو وصولی به حقیقت است

۳) اشراقی در پی رسیدن به حقیقت است ولی آن دیگری در پی کشف حقیقت است.

۴) هر دو ی آن ها استدلال را به کلی طرد می کنند

۱۶- اساس استدلال متکلمین غالبا بر استوار است. (سراسری ۷۳)

۱) قیاس

۲) حسن و قبح عقلی

۳) استقرا

۴) تمثیل

۱۷- نقطه ی تلاقی چهار روش فکری اسلامی چه نامیده می شود. (۷۰)

۱) حکمت عامیه

۲) حکمت متعالیه

۳) فلسفه ی عملی

۴) فلسفه ی متعارفه

۱- روش استدلالی متکلمین و فلاسفه مشاء را مقایسه کنید. متکلمان همانند فلاسفه مشاء صرفاً بر استدلال عقلی تکیه می کنند اما اصول و مبادی عقلی آنها با اصول و مبادی فلاسفه تفاوت عمده ای دارد. متکلمین حسن و قبح عقلی را در مورد همه عالم هستی بکار برده اما فلاسفه مشاء، آن را مربوط به زندگی انسان می دانند.

۲- وجوه اشتراک و اختلاف روش عرفانی و فلسفه اشراق را بنویسید.

هر دو گروه بر سیر و سلوک قلبی و مجاهدت درونی و تصفیه نفس برای کشف حقایق بهره می برند اما عرفا برخلاف اشراقیون به استدلال و برهان عقلی توجه چندانی ندارند و آن را تحقیر می کنند.

۳- عرفان و فلسفه مشاء را به لحاظ روش و موضوع با هم مقایسه کنید. روش عرفا سیر و سلوک قلبی و مجاهدت درونی و تصفیه نفس است اما روش فلاسفه مشاء استدلال و برهان عقلی است. فیلسوف می خواهد جهان را فهم کند؛ یعنی، تصویری صحیح و نسبتاً جامع از جهان در ذهن خود داشته باشد و خود جهانی شود عقلانی ولی عارف می خواهد با عشق و مجذوبیت به حقیقت هستی متصل شود. عارف در این سلوک روحی و معنوی خود را نیازمند برهان های عقلی نمی داند و راه عشق را هموارتر و نزدیک تر از راه عقل می شناسد. یا (فیلسوف می خواهد جهان را فهم کند و عارف می خواهد به کنه هستی برسد)

۴- عرفا و متکلمین چه نقشی در بارور کردن فرهنگ اسلامی داشتند؟ عرفان و کلام علاوه بر آنکه با مخالفت های خود به فلسفه اسلامی تحریک و رونق بخشیده اند، افق های تازه ای را هم پیش روی فلاسفه گشوده اند. بسیاری از مسائلی که در فلسفه اسلامی مطرح می شود، حاصل همین نزاع های فکری است.

۵- استدلال معتزله را در باب ثواب آخرت بنویسید. تکالیف دشوار دینی فقط و فقط برای نفع و فایده ما وضع شده است و آن نفع و فایده چیزی جز ثواب اخروی نیست؛ زیرا اولاً اگر هیچ غرضی در این تکالیف نباشد، عبث و بیهوده خواهد بود و کار عبث و بیهوده، زشت و قبیح است. ثانیاً ممکن نیست که این تکالیف ما سود و فایده ای برای خداوند داشته باشد؛ زیرا خداوند از این قبیل اغراض منزّه و پاک است.

نمونه سوالات متن تألیفی درس نهم

۱- تعیین کنید کدام گزینه صحیح و کدام یک غلط می باشد؟

الف) عارف می خواهد با عشق و مجذوبیت به حقیقت هستی متصل شود و آن را هموارتر و نزدیکتر از راه عقل می شناسد. درست

ب) شیخ مفید و سید مرتضی علم الهدی از متکلمان بزرگ شیعه هستند. درست

ج) محی الدین ابن عربی معروف به شیخ اکبر مظهر و نماینده کامل عرفان اسلامی است. درست

۲- جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

الف) حکما، فلسفه را حکمت و کلام را حکمت می نامند. برهانی - جدلی

ب) علم کلام و فلسفه مشاء هر دو صرفاً بر تکیه می کنند. استدلال عقلی

ج) متکلمان غالباً استدلال خود را بر اساس حسن و قبح استوار می کنند. عقلی

۳- به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

الف) مظهر و نماینده ی کامل عرفان اسلامی که عرفان را به صورت یک علم مدون در آورد چه کسی است؟ محی الدین ابن عربی

ب) کلام شیعه به واسطه ی کدام متفکر به اوج خود رسید و بیشتر رنگ فلسفی به خود گرفت؟ خواجه نصیرالدین طوسی

۴- به سوالات زیر پاسخ تشریحی دهید.

الف) روش کلامی برای حل مسایل چیست و چه تفاوتی با روش فلسفه مشاء دارد؟

متکلمان همانند فلاسفه مشاء صرفاً بر استدلال عقلی تکیه می کنند اما اصول و مبادی عقلی آنها با اصول و مبادی فلاسفه تفاوت عمده ای دارد و غالباً استدلال خود را بر اساس حسن و قبح عقلی استوار می کنند.

ب) تفاوت نگرش « حکم » با « متکلمین » در مسئله « حسن و قبح » را بنویسید.

متکلمین به وسیله آن درباره همه هستی قضاوت می کنند ولی حکما آن را مربوط به زندگی انسان می دانند.